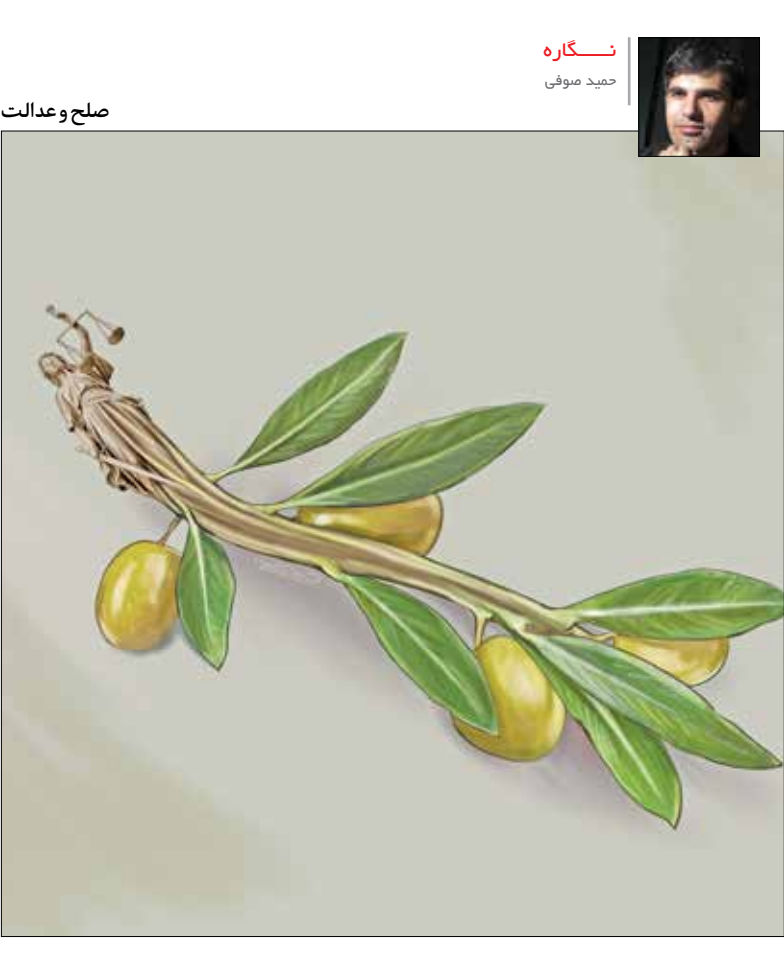


<div><div> </div><div>تلفن: ۰۲۱ ۸۸۷۶۱۷۴۰ تلفار: ۰۲۱ ۸۸۷۶۱۲۴۵</div><div>پست‌باکس: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان فرمشهر،شماره ۲۰۸</div><div>صندوق پستی: ۳۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشتریان: ۸۸۷۴۸۸۰۰</div><div>چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جامجم</div><div>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران، دارنده گواهینامه ایبو ۹۰۰۱ در شرکت NISCERT</div><div>تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)</div><div>انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲</div><div>http://irannewsaper.ir</div></div>	
<div><div> </div><div><div>مسابقتیز:</div><div>خبرگزاری جمهوری اسلامی</div><div>مدیرمسئول: محمدحسین روزبه‌طلب</div><div>چاپ‌نشین مدیرمسئول و سردبیر: تکمیل‌نقی‌پور</div></div></div>	
اذان ظهر ۱۲:۵۸ اذان مغرب ۱۹:۲۵ نیمه شب شرعی ۰۰:۱۷ اذان صبح فردا ۵:۲۶ طلوع آفتاب فردا ۶:۵۰	
امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: <div>بهبشتی‌ها چهار نشانه دارند: روی گشاده، زبان نرم، دل مهربان و دست دهنده.</div>	
سخن روز	مجموعه ورام، ج ۰۲، ص ۹۱



هنرمندان در فضای مجازی	اصحاب فرهنگ و هنر در فضای مجازی آثارشان را با مخاطبان به اشتراک گذاشته‌اند و برخی صفحات هم مطالبی درباره اربعیین سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله‌الحسین منتشر کرده‌اند که با هم می‌خوانیم.
-------------------------------	---

چهره‌ها

مهران احمدی کارگردان و بازیگر سینما در صفحه خود با انتشار آنونسی از «بی‌نگاه» مخاطبان این سریال را دعوت کرده به دیدن این تجربه کارگردانی اش. او نوشته: «که با شکستن پیمان و برگرفتن دل/هنوز دیده به دیدارت آرزومند است… دیدار فروغ و بهمن در قسمت چهارم؟

یکتا ناصر بازیگر سینما در صفحه خود با انتشار عکسی از خودش نوشته: «گاهی دشوارترین کارها را به تنهایی انجام می‌دهیم ولی در یک بطری را نمی‌توانیم تنهایی باز کنیم و تمام تلاش‌های خودمان را نادیده می‌گیریم.»

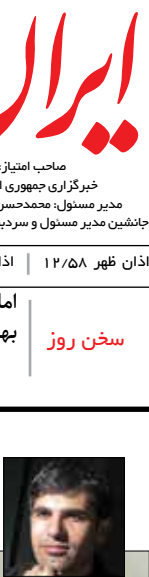
مرضیه برومند نویسنده، بازیگر و عروسک‌گردان در صفحه خود با انتشار اپیزود اول از فصل دوم رادیوکاوس بخشی از حکایت حیوانات پاره یکم از کلیله و دمنه را منتشر کرده و نوشته:«بیشتر ما در دوران مدرسه تجربه سروکله زدن با متن سنگین کلیله و دمنه را داشته‌ایم. آیا براستی کلیله و دمنه متنی است نخواندنی؟ در این اپیزود از رادیوکاوس به جست‌وجوی ریشه‌های این متن نامدار و پربردسر تا هند و ایران باستان و دربار خسرو انوشیروان رفته‌ایم و نمونه‌هایش را در فرهنگ‌های دیگر سراغ گرفته‌ایم. دقیقه‌های هم میهمان سخنان شبرین مرضیه برومند بوده‌ایم تا از آشنایی‌اش با کلیله و دمنه و تجربه‌اش در ساخت شهرک کلیله و دمنه بگویید.»

دیگه چه خبر

مؤسسه فرهنگی هنری صبا در صفحه خود با انتشار نقاشی جدید حسن روح الامین با عنوان هوالغنی درباره هنرافرنی هنرمندان با موضوع عاشورا و اربعیین نوشتند:«عاشورا و حماسه حسینی و اربعیین همچنان دستمایه هنرمندان برای خلق آثار هنری قرار دارد. روز شنبه ۲۶ شهریور ماه به مناسبت اربعیین حسینی مروری بر نمایشگاه‌های تجسمی و رویدادهایی داشتیم فرهنگستان هنر نمایشگاه عکس «پیاده تا خورشید» با برگزار کرده‌است.در این نمایشگاه، ۵۰ قطعه عکس از آثار منتخب جایزه جهانی اربعیین به نمایش درآمده است.نمایشگاه نقاشی‌های حسن روح‌الامین به نام «نقش‌راستان» و پرده‌های قدیمی عاشورایی تا پنجم مهرماه در کوشک باغ هنر برپا است. مؤسسه هنرمندان پیشکسوت نیز به مناسبت اربعیین جشنی ویژه و به منظور ثبت و انعکاس پیاده‌روی اربعیین اقدام به برگزاری مسابقه عکس «ره‌روان حبیب در قاب اربعیین» کرده‌است.آژانس عکس «ایران» به مناسبت فرارسیدن اربعیین حسینی و همراه با راهپیمایی زائران کربلا، نمایشگاه عکسی در مرزهای ایران و عراق برگزار کرده است.موزه هنرهای معاصر تهران نیز سلسله نشست‌های تخصصی «زیبایی‌شناسی حماسه واقعه کربلا به روایت گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران» را با حضور کارشناسان و منتقدان هنری برگزار کرده‌است.

مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی در صفحه خود به مناسبت اربعیین حسینی نوشته: در بیستم صفرالمظفر، اربعیین حسینی، چهلمین روز شهادت حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع)، بخشی از مدخل «آزبَعیین» در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی نگاشته فرامریر حاج‌منوچهری را می‌خوانیم که در بخش ذیل قرار دارد و برای نخستین‌بار منتشر می‌شود.اندیشه‌ای که در آن، مفهوم به‌کمال‌رسیدن و آماده‌شدن برای گذر از این جهان به نوعی در روایات بازنتاب یافته، در واقعه شهادت امام حسین(ع)، با موضوع الحاق سر آن بزرگوار به بدن وی در چهلمین روز شهادت ایشان قابل‌انطباق است. ابوریحان بیرونی آشکارا بیان داشته‌است که ۲۰ روز، روزی است که سر امام به بدن ایشان ملحق و همراه با آن به خاک سپرده شد.

نگاره



اسطوره‌ها باید به صحنه بیایند

بهروز غریب‌پور: خلأ آن است که ما به شاعران، نویسندگان، به گذشته اسطوره‌ای و افسانه‌های ایرانی توجهی نمی‌کنیم. نگاه کنبد نزدیک به ۷۰ سال پیش «بلبل سرگشته» که یک قصه اصیل ایرانی است توسط علی نصیریان برای نمایش آماده می‌شود. تا به امروز از آن صحبت و به آن افتخار می‌کنیم. ارزش کار ما این است که بتوانیم نمایش ملی به وجود بیاوریم. از «بلبل سرگشته» تا به امروز ما به‌ندرت به این خط فکری توجه کرده‌ایم. با صدای بلند می‌گویم؛ قصه‌های ایرانی، افسانه‌های مختلف ایرانی و اسطوره‌های ما باید به صحنه بیایند! شما امروز از یک بچه سؤال کنید که رستم، سهراب یا تهمینه کیست؟ نمی‌داند! ولی از او درباره شخصیت‌های کارتونی پیرسید و بینبید چگونه به شما جواب می‌دهد! انگار اسپایدرمن و بتمن و نظایری از این دست پسرعمو و پسرخاله آنها هستند!

بخشی از صحبت‌های سرپرست گروه تئاتر عروسکی آرآن با ایرنا

شعر و ادب پارسی سرچشمه ادبیات نمایشی معاصر

دیگر شاعران داستان سرا نیز برخوردار از منظومه‌هایی هستند که قادر است تئاترهای ما را همچنان از معنا و معنویت سیراب کند، آثاری که به لحاظ داستان پردازی نیز مسیر پرچاشی را پیش روی مخاطبان قرار دهند. نمونه‌اش مجموعه آثار نظامی گنجوی که سرشار از عاشقانه‌های بارزی است که می‌تواند هر شنونده‌ای را نسبت به درک عشق حقیقی آگاه کند و پیش از آن نیز نسبت به عشق مجازی حریم و تعهدی را یادآور سازد. آن هم در جهان امروز که دیگر کمتر جوانی پایبند به باورهای عاشقانه است.

متون عارفانه مثنوی معنوی مولانا و عطار نیشابوری و تجربه‌های زیسته و ادبی عرفای بزرگ ایرانی مانند جلاج، بایزید بسطامی، سهروردی، عین القضات و… همگی می‌توانند در ارائه فضاهای عرفانی و درک حقایق والا و هستی‌شناسانه مورد توجه قرار بگیرند. البته این متون برخوردار از شگردهای نمایشی نیستند، به اصطلاح زبان محسوب می‌شوند و برای تبدیل آنها به کاری نمایشی باید که بر شیوه‌ها و شگردهای خاص این نوع هنرها تنظیم و بازنگری شوند. آثار ادبی کهن دارای معانی بزرگی هستند که باید همواره مورد توجه قرار بگیرند و ما ایرانیان نابهر همین تجربه‌های زیسته پیشینیان است که می‌توانیم همچنان در جهان خودی نشان دهیم. از سوی دیگر والامنشی و نیک سرشتی مان نیز در درک و دریافت و شناخت همین متون شعر و ادب است که کالبد متون معاصر را می‌تواند مزین به شکل‌ها و معانی بسامان و کارساز کند و چشم پوشی از آن نیز یک غفلت بزرگ و به معنایی عقب ماندگی و درجا زدن خواهد بود. بنابراین شاعران و متون ادبی ایران که امروز کهن و به تعبیری کلاسیک خوانده می‌شوند، هم نباید فراموش شوند و هم نباید از گردونه ادبیات و هنر امروز دور بمانند بلکه نابهر شگردهای بینامتنی همواره باید به شکل‌های متفاوت و به بهانه‌های مختلف در اختیار ادیبان و نویسندگان امروزی قرار بگیرند که معرفت‌های ایرانی و باورهای زیسته برای بسامان نگه داشتن این هویت و اندیشه‌ورزی به راستی کار آمد و کارساز خواهد بود.

باز خم‌های مادران مهربان باشید

از کالین هورور، نویسنده خوش اقبال آمریکایی آثاری چند به فارسی ترجمه و منتشر شده است. جدیدترین اثر او در فارسی (یاد او) به روایت داستان زن جوانی به نام «کنا روان» می‌پردازد که پس از گذراندن دوره محکومیت پنج ساله، از زندان آزاد می‌شود. کنا سعی دارد به دیدار دختر پنج ساله‌اش، «دیم» برود؛ در حالی که خود باعث گشته شدن پدر او یعنی «اسکاتی» شده‌است.وقتی دیمم به دنیا آمد، کنا ناچار شد حضانت او را به پدر و مادر اسکاتی بسپارد. حالا که آزاد شده می‌خواهد دخترش را ببیند و بیشتر بشناسد، اما والدین اسکاتی اجازه نمی‌دهند کنا به شرح آنچه در شب قتل اسکاتی روی داد، برپردازد و از واقعیت ماجرا پرده بردارد. آنها به قانون متوسل می‌شوند تا این زن تنها و بی‌پناه را از زندگی خود و نوه‌شان بیرون برانند. در این میان، «لجر وارد» دوست صمیمی اسکاتی نقش مهمی را ایفا می‌کند. او باید بین عشق و نفرت یکی را انتخاب کند یا همچون دیگران به دیده انزجار به این زن بنگرد، یا شانس اندکی برای او قائل شود و شعله کم جانی از امید را در دلش روشن کند.

رمان «یاد او» رماتی مملو از احساسات انسانی است. احساسات مادرانه، حسرت‌ها، اندوه‌های جانکاه و زخم‌های بر دل نشسته و در عین حال داستانی که انسان را به ارزش عفو و گذشت واقف می‌کند. شخصیت‌ها در این رمان باورپذیرند و بخوبی پرداخت شده‌اند. گفت‌وگوهای میان آنها کاملاً طبیعی و بجای طراحی شده، مخصوصاً سخنانی که از قول دخترک کوچک داستان یعنی دیمم نقل می‌شود دیالوگ‌هایی شیرین و تأمل‌برانگیز هستند.

در این رمان بخوبی نشان داده شده که قضاوت‌های نادرست و پیش‌داوری‌هایی که براساس داده‌های نادرست و اطلاعات ناکافی

صورت می‌گیرد چگونه می‌تواند زندگی افراد را دستخوش تغییر سازد و گاه به تباهی بکشاند. این داستان که بر محور مرگ و اندوه بنا شده، در بعضی قسمت‌ها چنان خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد که با شخصیت‌ها همذات‌پنداری کرده و غم آنها جانش را می‌کاهد و به ناچار دانه‌های اشک را از چشمانش روان می‌سازد و در لحظاتی امید را به دل و لیخندش را بر لب مخاطب می‌نشاند. به همین دلیل به آن داستان «اشک‌ها و لیخندها» لقب داده‌اند. علاوه‌بر این، «یاد او» حالات از رگه‌های روانشناختی نیست و در فرازهای فراوانی از آن، به خلوت و مقولاتی همچون احساس گناه و بخشش و امید و تنهایی و حسرت و اضطراب و مهر و کین می‌پردازد. این برش‌های روانشناختی، خط داستانی اثر را تقویت می‌کنند و در مجموع رماتی خوشخوان، گیرا، آموزنده و تأمل‌برانگیز فراهم می‌آورد. حق با یکی از منتقدان آمریکایی است که گفته «یاد او» رماتی است که در ذهن مخاطب حک و در قلبش ماندگار می‌شود.

■ **یاد او / کالین هورور / ترجمه عباس زارعی / نشر اموت**

عکس نوشت
پخش مجموعه هفت قسمتی «کاتب اعظم»، اولین محصول مرکز سریال سوره از روز یکشنبه ۲۷ شهریورماه ساعت ۱۱:۳۰ به صورت شبانه در شبکه دو سیما آغاز می‌شود. طبق گزارش ایبسا، مجموعه نمایشی «کاتب اعظم» به نویسندگی و کارگردانی منری مهدی غفوری و کارگردانی تلویزیونی علی عبادی، با اقتباسی از کتاب «اعترافات کاتب کشته‌شده» اتفاقات شب تا عصر عاشورا را از خیمه دشمن روایت می‌کند. امین زندگانی، سیامک صفری، نادر فلاح، نازنین فرحانی، فاطمه گودرزی، حدیث میرامینی، خسرو شهرزاد امین میری، امیرحسین شامشی، امیر شهرابی، محسن علیخانی، محمدحسن شعبیعی، آرش رحیمی، محمدرضا تاجیک، امیرکتب فلاح ووحیدرضا قناعتیان در «کاتب اعظم»، ایفای نقش می‌کنند.



لنگان به‌قفای جرس افتاده‌عقیم

ای قافله‌اسلازلنگاهی‌به‌فکشان

چون زخمه‌به‌سازدل این‌پیرخمیده

چنگی زن و آفاق پراز شور و نواکن

سید محمدحسین بجهت تبریزی متخلص به شهریار

ایمان بیایوریم به جادوی کلمات

«با ارزش‌ترین چیزی که می‌توان به یک کودک ارزانی داشت، یک شناخت مثبت و واقع بینانه از خودش است و این شناخت نه به یکباره، بلکه به آهستگی و طی تجربه‌های مکرر به دست می‌آید.» این

شهرزاد عبیده روانشناس

جملات بخش‌هایی از کتاب «کودک، خانواده و انسان» است. در بخش دیگری از این کتاب عنوان شده است: «این نوع شناخت بهترین پشتوانه درازمدت او در برابر انتقادهای مغرب خواهد بود.» اما چگونه می‌توان کودک را در مسیر شناختی مثبت و واقع بینانه از خودش قرار داد؟ در نخستین گام باید دور انتقاد، توهین، تحقیر، تمسخر و داد و فریاد را خطی قرمز بکشیم و به جادوی کلمات ایمان بیاوریم. در گام بعدی باید به عنوان یک والد تمرین و تلاش کنیم که خودمان نگاهی واقع‌بینانه به توانمندی‌ها و ضعف‌های فرزندان داشته باشیم، مسیری که برای خیلی از والدین چندان راحت و هموار نیست!

لازم است، دست از مقایسه و ارزیابی مداوم کودکان برداریم و تمرین کنیم که برچسب‌های منفی و برچسب‌های مثبت را کنار بگذاریم.

«خدایا تو چرا اینقدر تبلی،» «شلخته»، «آفرین، دختر قشنگم»، «چه پسرباوشی دارم»، «تو بهترین بچه روی زمین»، «مهندس کوچولوی من»، «قشنگ‌ترین نقاشی‌ها را می‌کشی»، «پسر من خیلی درسخوان و مؤدب است» و…

همه موارد بالا، حتی آنها که به ظاهر زیبا و دلنشین هستند، نه تنها تأثیر مثبتی روی فرزند ما نمی‌گذارند بلکه چون باری بر دوش آنها سنگینی خواهند کرد.

وقتی به کودکان صفت می‌دهیم هرچند صفتی مثبت مانند درسخوان، مؤدب، باهوش و غیره در واقع بار سنگینی از مسئولیت و اضطراب را بر شانه‌های او قرار می‌دهیم. این کودک برای اینکه سزاوار این صفت‌ها باشد به احتمال زیاد در دام اضطراب و نگرانی خواهد افتاد. کودکی که به گفته والدینش درسخوان و باهوش است، خود را ناگزیر می‌بیند که تحت هر شرایطی به گونه‌ای رفتار کند که لایق این صفت‌ها باشد و در غیراین صورت احساسات منفی مانند ناکامی و شکست را تجربه خواهد کرد. حاصل چنین نگرشی شاید فردی شود که مدارج علمی را طی می‌کند اما احتمالاً اضطراب و کابوس‌های شب امتحان دست از سر او برنخواهند داشت. گاهی هم ممکن است، این کودکان در نقطه‌ای ترجیح بدهند خودشان را از زیر فشار این القاب رها کنند و رفتارهایی کاملاً متفاوت از خود نشان دهند. به همین دلیل کم نیستند بچه‌های درسخوان و باهوشی که دچار افت تحصیلی می‌شوند.

اما این سکه روی دیگری هم دارد. واقعاً کدام یک از ما همیشه راستگو، صادق، باهوش و… هستیم؟ واقعیت این است که هیچ کدام از ما به تمامی باهوش، کندذهن، شلخته، منظم، زیبا، زشت و… نیستیم.

وقتی به فرزندان صفت می‌دهیم بسیار احتمال دارد که او در خلوت خود بگوید: «اما من که در فلان موقعیت دروغ گفته‌ام! ما واقعاً لیاقت این را ندارم که مامان فکر کند راستگو هستم.»

شاید برعکس با خود بگوید: «به نظر می‌رسد من خیلی خوب توانستم مامان را گول بزنم با اینکه چند بار دروغ گفته‌ام اما او متوجه نشده و واقعاً فکر می‌کند من همیشه راست می‌گویم.»

همه موارد بالا آسیب‌زا هستند. پس بهتر است تمرین کنیم صفت‌ها را از دایره مکالمه‌های خودمان با فرزندان حذف کنیم. در مصاببت از صفات منفی استفاده نکنیم و برای تشویق به صفت‌های مثبت متوسل نشویم و کودکانمان را در چهارچوب کلمات زندانی و محبوس نکنیم.

راه‌های مختلف و سالم‌تری برای تشویق وجود دارد. گاهی می‌توانیم یک لیخند بزنیم. او را در آغوش بکشیم. نگاهی پر از عشق و تأیید به او هدیه بدهیم. دستی به شانه‌اش بزنیم. سرش را نوازش کنیم. البته از تشویق‌های کلامی سالم و مؤثر استفاده کنیم، تشویق‌هایی که نه تنها آسیب رسان نیستند و تا پایان عمر باری بر دوش فرزندان نمی‌شوند بلکه می‌توانند باب گفت‌وگو، کشف‌های تازه و تعامل مثبت را بین ما و فرزندانمان باز کنند. در شماره بعدی در خصوص این نوع تحسین‌ها و تشویق‌ها خواهم نوشت.

